

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث ما در اسامي روز قیامت است؛ اسم‌هایی که در قرآن کریم برای روز قیامت بیان شده. عرض کردیم این اسامي اولاً جنبه علمي دارد که برای انسان روشن باشد که برای چنین روز باعظمتي چه مقدار اسم در قرآن ذکر شده. خدای تبارک و تعالی می‌توانست برای روز قیامت يك اسم قرار بدهد، اما اینکه اسامي زيادي که شاید بیش از صد عنوان باشد ذکر شده حاكي از عظمت چنین روزي است و ثانیاً هر اسمي انسان را به جنبه‌اي از جنبه‌هاي روز قیامت و حادثه‌اي از حوادث روز قیامت راهنمائي و متوجه مي‌کند و ثالثاً جنبه‌ي تربيتي دارد، يعني این عناوين روز قیامت بیشتر برای همین جهتي است که انسان توجه و تنبه پیدا کند يك چنین روزي با چنین خصوصياتي را در پیش دارد. یکی از اسم‌هایی که در قرآن برای روز قیامت آمده «یوم البعث» است، روز قیامت روز بعث و برانگیخته شدن است.

در سوره مبارکه روم آیه 56 می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبُعْثِ» کسانی که به آنها علم و ایمان داده شده به دیگران خطاب می‌کنند و می‌گویند شما بر وفق کتاب خدا تا روز بعث درنگ کردید «فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ» امروز که روز قیامت است «وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» شما روز بعث را نمی‌دانستید. اولاً همین «ولکنکم کنتم لا تعلمون» قرینه می‌شود بر اینکه آن یوم معلوم که در بحث گذشته ذکر کردیم که مراد علم به اصل این روز است که فقط مخصوص خدای تبارک و تعالی است، یعنی زمان دقیق روز قیامت را شما نمی‌دانستید، نه اینکه اصل روز قیامت توسط انبیاء به کفار و مردم گفته شده بود.

در سوره مبارکه مجادله آیه 6 می‌فرماید: «يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» روزي که خدا همه را مبعوث می‌کند. راجع به کلمه «بعث» چند نکته را هم عرض می‌کنیم.

در سوره مبارکه مؤمنون می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ» روز قیامت مبعوث می‌شوید. اینجا بحث این است که این کلمه «بعث» چه معنایی دارد؟ بعث یعنی برانگیخته شدن، در بعضی از آیات تعبیر به بعث من النوم آمده، بعد از اینکه انسان از خواب برمی‌خیزد، بگوئیم در بعث يك بیدار شدن است، اینکه انسان يك وقتی چشم را باز می‌کند که توقع نداشت! حالا یا مؤمن بوده نسبت به روز قیامت انتظار داشته و یا غیر مؤمن بوده و اصلاً انتظارش را نداشت، این جهت در بعث وجود دارد، یعنی انسان در صحنه‌اي قرار می‌گیرد که فکرش را نمی‌کرد و به آن توجه نداشت. در بعث کلمه‌ي احيا و معنای احيا هم هست، روز قیامت روز احیاء مجدد است، همان آیه‌ي شریفه که در بحث آیات برزخ ذکر کردیم «أَمْتَنَا ائْتِنِينَ وَأَحْيَيْنَا ائْتِنِينَ» احیای دوم مربوط به روز قیامت است که یوم البعث یعنی یوم الإحیاء و از لغت این خصوصیت استفاده می‌شود که زنده شدن، توجه کردن نسبت به چیزی که انسان توقع و انتظار آن را ندارد.

این ارسال و رسالت، يك نفری بیاید که جامعه هم خیلی توقع نداشت کسی از طرف خدا برای هدایت آنها بیاید، چنین چیزی را پیش‌بینی نمی‌کرده. این نکته را عرض کنم که در معنای بعث مطلق وجود نیست، هر موجود شدنی را عرب بعث نمی‌گوید! بعث يك نحوه برانگیخته شدنی است که من غیر توقّع است، من غیر انتظار است. البته مؤمنین با وعده‌هایی که قرآن داده بود انتظار روز قیامت را دارند اما کفار که انتظار را ندارند، این تعبیر برای آنها با این نکته و این جهت همراه است.

روایتی داریم که بیان می‌کند کفن‌های مناسبی را برای خودتان انتخاب کنید، «فإنکم تبعثون بها» روز قیامت با همین کفن‌هایی که انتخاب کردید مبعوث می‌شوید، یعنی باز بعث هم مربوط به انسان است که زنده می‌شود و هم این کفن‌ها اگر از بین رفته باشد دو مرتبه با همین کفن‌ها انسان مبعوث می‌شود، البته باز کفار استثناء است چون در کفار دارد که اینها روز قیامت به صورت لُخت و عریان مبعوث می‌شوند، ولی مؤمنین که کفن‌های واجب را برایشان قرار دادند، اینها با همین کفن‌هایی که در دنیا دفن شدند مبعوث می‌شوند، این هم یکی از اسامی روز قیامت است. پس بعث هم مربوط به خود انسان شد و هم آنچه که متعلق به انسان است، متعلق به انسان همان کفنی است که با این کفن انسان را دفن کردند.

از دیگر اسامی قیامت یوم الخروج است؛ در سوره مبارکه «ق» آیه 42 می‌فرماید: «يَوْمَ سَمِعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ» آن صیحه‌ی دوم و نفع صور دوم است (چون اطلاع دارید يك نفع صور اول است که همه از بین خواهند رفت، اماتهی عام است و يك نفع صور دوم است که همه زنده خواهند شد و برای روز قیامت باید دومرتبه زنده شوند).

قبل از آن می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَأَذْبَارَ السُّجُودِ] وَاسْتَمَعَ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ» آن وقت «یوم ینادی المنادی من مکان قریب» را در آیه بعد می‌فرماید «یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج» اینروز روز خروج است، اسم دیگر قیامت روز خروج است. در آیه 11 از همین سوره می‌فرماید: «وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مِّنَّا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» که اشاره به روز قیامت ندارد!

در آیه 55 سوره مبارکه طه می‌فرماید: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ» ما شما را از زمین آفریدیم «وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى».

در آیه 110 سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» خدای تبارک و تعالی به حضرت عیسی می‌فرماید آن زمانی که مُردگان را به اذن من بیرون آوردیم و زنده کردیم.

در آیه 43 سوره مبارکه معارج می‌فرماید: «يَوْمَ يُخْرَجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا» روزی که از قبرها با سرعت خارج می‌شوند، سیراع جمع سریع است، آن کسی که با سرعت حرکت می‌کند، «یوم یخرجون من الاجداث سیراعاً» یعنی روزی که از قبرها با سرعت بیرون می‌آیند «كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ» همانطوری که کفار در دنیا با سرعت به سمت بُت‌هایشان می‌رفتند، روز قیامت هم این چنین است که نُصُب جمع نصیب است و نصیب هم جمع نصب است، چون بت‌ها را در يك جایی نصب می‌کردند تعبیر به نُصُب کردند و از همین جهت به بت‌ها نُصُب می‌گرفتند «كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ».

اینجا يك بحث این است که روز قیامت که روز خروج است؛ آیا به خاطر قالب خدای تبارک و تعالی این را بیان می‌کنند؟! آن انسانی که در قبر و در اعماق خاک‌ها مدفون شده از قبر خارج می‌شود، کسی که از اجداث خارج می‌شود را می‌گویند بالأخره خارج شد. حالا آن کسی که در قبر نیست، فرض کنید جنازه‌ای را در بالای کوهها گذاشتند و از بین رفت، آن عنوان یوم الخروج چطور صدق می‌کند؟ می‌خواهیم عرض کنیم که آیا مراد خروج من القبر است؟ یا مراد خروج من البرزخ است؟ کدام يك از اینها مراد است، این آیه‌ی «یوم یخرجون من الاجداث» ظاهرش همین است که از همین قبرها اینها خارج می‌شوند، ولی آیا مراد همین ظاهر است یا اینکه مراد خروج از عالم برزخ است. روزی که از عالم برزخ خارج می‌شوند و وارد عالم قیامت

می‌شوند، همانطوری که دنیا و موت هم یوم الخروج است و شاید در بعضی از روایات هم راجع به موت داشته باشیم که خروج از دنیاست، آیا مراد این است که بگوئیم مراد خروج از عالم برزخ است، آن وقت اگر این باشد چه آنهایی که دفن شده باشند و چه آنهایی که دفن نشده باشند، چه آنهایی که زیر خاک باشند یا نباشند، همه‌شان يك زمانی به عنوان یوم الخروج دارند، اما اگر گفتیم فقط مراد خروج از عالم قبر است، آن وقت نسبت به آن کسانی که قبر ظاهری ندارند، حالا باز قبر واقعی هم در روایات وارد شده که قبر همان عالم برزخ است، چون نسبت به آنها چطور باید بگوئیم؟ باید بگوئیم از باب غلبه خدا می‌فرماید یوم الخروج است، یا اینکه هر دو معنا هست، بگوئیم یوم الخروج خروج من الأجداث و خروج من عالم البرزخ، آن زمانی است که برزخ تمام می‌شود و اینها از عالم برزخ خارج می‌شوند و وارد عالم قیامت کبری می‌شوند که این هم يك احتمالی است درباره یوم الخروج.

آنچه ما می‌خواهیم عرض کنیم این است که نباید بر همین ظاهر بسنده کنیم بگوئیم خروج یعنی خروج از قبر، خصوصاً حالا باید این تحقیق بشود، ظاهر آیات شریفه این است که بین نفخ صور اول و نفخ صور دوم فاصله‌ای واقع نمی‌شود، اگر فاصله نشد نفخ صور اول که شد همه از بین می‌روند دیگر کسی نیست که دیگری را دفن کند، يك اماتهی عام است. وقتی اماتهی عام شد، کسی دیگری را دفن نمی‌کند، حالا بعداً نفخ صور دوم یسمعون صیحة بالحق ذلك یوم الخروج، خروج از کجا؟ اینها که دفن نشدند که بگوئیم از این قبرها خارج می‌شوند. لذا اگر در بعضی از ترجمه‌ها یا خیلی از تفاسیر، اصلاً این بحث را من در جایی ندیدم، این را مسلم گرفتند که یعنی خروج از قبر! می‌گوییم اولاً آنهایی که قبر ندارند چطور؟ ثانیاً بین نفخ صور اول و نفخ صور دوم شاید آن موقع يك میلیارد از بین بروند و هیچ کسی هم نیست که دیگری را دفن کند، آنها یوم الخروج ندارند؟ مسلم آنها هم یوم الخروج دارند، لذا یا باید بگوئیم مراد از یوم الخروج یعنی خروج از برزخ و یا اینکه اگر بخواهیم رعایت ظاهر را کنیم هم خروج از قبر مراد است و هم خروج از برزخ مراد است.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين